

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین راه‌های استقرار و استمرار ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه، تقویت و تحکیم نهاد خانواده است (محمدی‌ری‌شهری و پسندیده، ۱۳۸۹، ص ۳۷۷)؛ چراکه خانواده، نخستین و اساسی‌ترین عامل رشد شخصیت، ارزش‌ها و نگرش‌های انسان است (گانت، ۲۰۰۶؛ آماتو، ۲۰۰۰؛ سپهریان آذر و قلاوندی، ۱۳۹۰؛ سادوک و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۶). این کهن‌ترین نهاد بشری، متشکل از حداقل دو نفر با توانایی‌ها و استعدادهای متفاوت و با نیازها و علایق مختلف است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰، ص ۱۰) که مشتمل بر نظام پیچیده‌ای از تعامل عوامل مختلف است که تفاهم و تضاد را بین زوجین پیش‌بینی می‌کند (گاتمن، ۲۰۰۲، ص ۱۴۸). تقریباً تمامی زوج‌ها در ابتدای زندگی زناشویی، سطح بالایی از رضایت را گزارش می‌کنند (مارکمن و هالوگ، ۱۹۹۳، ص ۲۹). اما معمولاً این رضایت به مرور زمان کاهش می‌یابد تا جایی که مشکلات زوج‌ها و خانواده‌ها تقریباً نیمی از همه مراجعات به مراکز روان‌درمانی را شامل می‌شود (داتیلیو، ۲۰۱۰، ص ۱۳). معتبرترین شاخص این عدم رضایت و آشفتگی نیز طلاق است (رزن گراندن و همکاران، ۲۰۰۴). قابل توجه آنکه، بین ۸۵ تا ۹۱ درصد از افرادی که در آستانه طلاق قرار دارند، در ابتدا، عقاید مثبتی درباره رابطه زناشویی داشته‌اند و بر این باور بوده‌اند که احتمال طلاق برای آنها صفر است (فاورز و همکاران، ۱۹۹۶).

در این میان، الیس تقریباً ۵۰ سال پیش به نقش مهمی که شناخت در مسائل زناشویی دارد، اشاره کرده است (داتیلیو، ۲۰۱۰، ص ۲). از یک‌سو، محققان و نظریه‌پردازان بسیاری (مؤمن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴) نیز معتقدند که باورهای غیرمنطقی، علت اصلی اختلاف‌ها در روابط اجتماعی، بخصوص در روابط زوجین می‌باشد. آدیس و برنارد (۲۰۰۲) معتقد به وجود رابطه مستقیم بین باورهای غیرمنطقی زوجین، با ناسازگاری و نارضایتی زناشویی است. مولر و واندرومرو (۱۹۹۷) و همامسی (۲۰۰۵) نیز زندگی زوجینی را که باورهای غیرمنطقی در مورد اهمیت ارتباط، روش‌های مؤثر حل تعارض، اهمیت خانواده و نقش‌های جنسیتی دارند، در مقایسه با زوجینی که این باورها را ندارند، در معرض فروپاشی بیشتری می‌دانند. از سوی دیگر، پیورکوسکی معتقد است: افکار متعادل و منطقی، یکی از مهم‌ترین عوامل رضایت زناشویی می‌باشد (پیورکوسکی، ۲۰۰۸، ص ۲۸).

سیاوشی و نوابی‌نژاد (۱۳۸۴) و نجاریپور/استادی و همکاران (۱۳۸۹)، بیان می‌کنند که باورهای منطقی، احساس‌های مثبتی همچون شادی و آرامش را به دنبال دارد و باورهای غیرمنطقی، مولد هیجان‌های نامناسبی مانند افسردگی، اضطراب، احساس حقارت، تجربه خشم به دلیل نرسیدن به

ساخت و اعتباریابی آزمون اولیه باورهای منطقی زوجین بر اساس منابع اسلامی

کلیه علی صادقی سرشت / کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی * sad۱۳۵۶۶@gmail.com
محمد رضا احمدی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی * m.r.Ahmadi۱۳@gmail.com
رحیم میردريکوندی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی * mirderikvandi@qabas.net
دریافت: ۱۳۹۳/۹/۶ - پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف ساخت آزمون اولیه باورهای منطقی زوجین، بر اساس مبانی نظری اسلامی انجام گرفت. برای مطالعه منابع اسلامی، از روش تحلیل محتوا و برای ارزیابی روایی و اعتبار آزمون، از روش پیمایشی با انتخاب تصادفی طبقه‌ای، نمونه ۱۰۰ نفری از میان دانش‌پژوهان و طلاب علوم دینی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ بهره گرفته شد. ساختار برداشت‌شده از منابع اسلامی، برای باورهای منطقی زوجین معیشتی، جنسی، ارتباطی، حل تعارض و حمایتی است. موافقت ۹۵/۵ و ۹۴/۵ درصدی خبرگان، نسبت به مؤلفه‌ها و گویه‌ها، روایی محتوای این آزمون را نشان داد. همبستگی مثبت و معنادار این آزمون ($r=0.76$ ، $p>0.01$) با آزمون باورهای ارتباطی زوجین، گویای روایی ملاکی این آزمون بود. همبستگی بالا بین مؤلفه‌ها با کل آزمون همچنین بین گویه‌ها نشان‌دهنده روایی سازه بود. اعتبار آزمون، به واسطه بررسی همسانی درونی پرسش‌نامه با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد. در دونیمه‌سازی، ضریب آلفای نیمه اول ۰/۸۶ و نیمه دوم ۰/۸۹ به دست آمد و نیز ضریب همبستگی بین دو نیمه ۰/۷۷ و ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۶ به دست آمد. بنابراین، این آزمون از اعتبار و روایی مناسب برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: باورهای منطقی، زوجین، ساخت، آزمون، روایی و اعتبار.

همچنین، تحقیقات نشان از رابطه منفی بین باورهای غیرمنطقی زوجین، با روابط عاشقانه (آدیس و برنارد، ۲۰۰۰؛ استاکرت و بورسیک، ۲۰۰۳؛ دی‌بورد و همکاران، ۱۹۹۶؛ مولر و وندرمرو، ۱۹۹۷) و رضایت و سازگاری زناشویی (مولر و همکاران، ۲۰۰۱؛ مولر و وندرمرو، ۱۹۹۷؛ همامسی، ۲۰۰۵؛ نوابی‌نژاد و ملک، ۱۳۸۹) و سبک دلبستگی ایمن دارد (بشارت و همکاران، ۱۳۹۱).

برخی تحقیقات نیز منطقی‌تر بودن مردان، نسبت به زنان را مورد تأیید قرار داده‌اند (سیاوشی و نوابی‌نژاد، ۱۳۸۴؛ نجارپور استادی و همکاران، ۱۳۸۹؛ قاسمی، ۱۳۷۵، ص ۸۳). هرچند برخی تحقیقات دیگر (مانند شمسی، ۱۳۸۲، ص ۳)، به تفاوت معناداری در این مورد دست نیافتند. /زخوش و عسگری (۱۳۸۶)، بین سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان با باورهای غیرمنطقی رابطه‌ای به دست نیاوردند. در تحلیل نتایج پژوهش مؤمن‌زاده و همکاران (۱۳۸۴)، مشخص شد باورهای غیرمنطقی واکنش به ناکامی، نگرانی توأم با اضطراب و وابستگی در زنان و مردان تفاوت معنادار دارند؛ بدین معنا که زنان در این سه نوع تفکر غیرمنطقی، میانگین بالاتری نسبت به مردان دارند، ولی در سایر باورهای غیرمنطقی، تفاوت معناداری در زنان و مردان به دست نیامد.

جونز و چائو (۱۹۹۷)، ضمن آنکه بیان می‌کنند جوامع و خانواده‌ها از نظر گرایش به ایجاد انواع باورهای منطقی و غیرمنطقی با یکدیگر متفاوتند، بر این نکته نیز تأکید دارند که ارزیابی‌های حاصل از بافت فرهنگی، که در آن استانداردهای رابطه مطرح و تقویت می‌شوند، از اهمیت زیادی برخوردارند. زوج‌هایی که از نظر زمینه فرهنگی، قومی و نژادی با هم تفاوت دارند، از لحاظ انتظارات و باورهای روابط زناشویی نیز با یکدیگر تفاوت دارند.

همچنین در سال‌های اخیر، «دین» به عنوان یکی از عمده‌ترین متغیرهای مؤثر بر رفتار و حالات روانی افراد، مورد توجه بسیاری از متخصصان علوم رفتاری قرار گرفته است، تا جایی که برخی دین را عامل اساسی در بهداشت فردی و اجتماعی معرفی کرده‌اند (سهرابی و سامانی، ۱۳۸۰، ص ۸۰). *هراتیان*، در تحقیقی به رابطه معنادار بین باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی در سطوح مختلف پایبندی مذهبی دست یافت (هراتیان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹). *آیت‌الله مصباح* نیز دین را اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورالعمل‌های متناسب با این عقاید می‌داند (مصباح، ۱۳۶۵، ص ۲۸).

نگرش فرد به خدا به‌عنوان اساسی‌ترین بینش در دین اسلام، بر بسیاری از نگرش‌های رده بعد، مانند نگرش درباره معنی، هدف و فراز و نشیب‌های زندگی تأثیر مستقیم و جدی دارد. اینها به نوبه خود، نگرش‌های فرد درباره شغل، ازدواج، تحصیل، الگوهای زندگی و نظایر آنها را جهت می‌دهند.

اهداف خود و سایر احساس‌های منفی بیمارگونه هستند؛ باورهای منطقی مبتنی بر تمایلات یا ترجیح‌های سالم هستند، ولی باورهای غیرمنطقی متکی به مطالبات جزم‌اندیشانه ناسالم بوده (تراورس و درایدن، ۱۹۹۵، ص ۴۸) و باورهایی اغراق‌آمیز، انعطاف‌ناپذیر، مطلق‌گرا و غیرواقعی هستند (مؤمن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). این باورها جلوی تحقق اهداف را گرفته و عمدتاً ما را ناراحت می‌کنند و ناراحت نگه می‌دارند (نینان، ۲۰۰۶، ص ۱۵) و بر الزام، اجبار، جزم‌اندیشی و اجحاف تأکید دارند و مانع سلامت فکر و روان و سالم‌سازی محیط فردی و اجتماعی می‌شوند (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۷۳، ص ۱۲۶). پیامدهای ناشی از این‌گونه باورها، تولید رفتارها و عواطف مخرب و بیمارگون هستند که بقا و سلامت روانی و عاطفی فرد را تهدید می‌کنند (الیس و گریگر، ۱۹۷۷، ص ۳۸۴). بنابراین، باورهای منطقی در حقیقت باورهایی انعطاف‌پذیرند که سبب می‌شوند شدت احساسات منفی انسان درباره رویدادهای نامطلوب کم شود.

الیس، در یک توسعه مفهومی باورهای غیرمنطقی را به هر نوع فکر، هیجان یا رفتاری که موجب تخریب نفس و از بین رفتن خود می‌شود، اطلاق می‌کند. پیامدهای مهم آن، اختلال در خوشحالی، شادمانی و تندرستی است (رشیدی و همکاران، ۱۳۸۹). در مورد تعداد باورهای غیرمنطقی، الیس و برنارد نیز اظهار می‌دارند: باورهای غیرمنطقی قابل شمارش نمی‌باشند و شاید به هزار مورد نیز برسد، اما می‌توان آنها را در انواع و دسته‌های گوناگونی ارائه کرد (آیینه‌چی، ۱۳۹۰، ص ۶۱). در این میان، فری بر این نکته تأکید می‌کند که این قبیل باورها به‌طور منطقی از واقعیت‌های همراه با اتفاق تبعیت نمی‌کند (فری، ۱۹۹۹، ص ۳۶).

تحقیقات نشان داده‌اند که رابطه مثبتی بین باورهای غیرمنطقی و افسردگی (نوابی‌نژاد و ملک، ۱۳۸۹)، استفاده از روش‌های غیرمؤثر حل تعارض خانوادگی (مولر و وندرمرو، ۱۹۹۷، ص ۲۷۳؛ همامسی، ۲۰۰۵)، بروز مشکلات ارتباطی و رفتاری در حوزه زناشویی (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۶، ص ۳۳۲-۳۳۳؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۱)، ناسازگاری زناشویی (نوابی‌نژاد و ملک، ۱۳۸۹)، پاسخ‌های مخرب فعال شامل تفکر نسبت به ترک رابطه، تهدید به ترک، ترک یا تخریب عملی روابط (متز و کاپاچ، ۱۹۹۰) و نیز سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا (بشارت و همکاران، ۱۳۹۱) وجود دارد. البته بشارت و همکاران (۱۳۹۱)، نشان دادند که رابطه همبستگی مثبت بین باورهای غیرمنطقی، با مشکلات زناشویی یک رابطه خطی ساده نیست و سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده، این رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

(کجباف و نوری، ۱۳۸۷) و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، بر ابعاد گوناگون شخصیت فرد، مانند ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی و جنبه‌های جزئی‌تر، مانند تفریحات، علایق و ترجیحات رفتاری در زندگی تأثیرگذار است (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۵۰). از این رو، باور دینی امری نیست که بُعدی از وجود آدمی را پر کند و سایر ابعاد را خالی بگذارد؛ ایمان و باور دینی خود را نمایان می‌سازد که در سراسر زندگی انسان حضور داشته باشد (پورشهریاری و شعاع کاظمی، ۱۳۸۳)؛ انسانی که برای تأمین هدف خاصی پا به این عالم نهاده و هدفش با رفتار و اراده خود او حاصل می‌شود. هر فکر، اعتقاد و رفتاری، حتی تصور ذهنی، اثر خارجی و واقعی دارد که آدمی را به سوی می‌برد (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹). از سوی دیگر، بدون پرتوافکنی وحی، عقل او، نمی‌تواند حسن و قبح همه امور را که لازم دارد، دریابد و ساختار معرفت اخلاقی بشر، تنها با داده‌های وحیانی سامان می‌یابد (پورشهریاری و شعاع کاظمی، ۱۳۸۳). بنابراین، شناسایی باورهایی که مطلوب دین در حوزه مسائل مختلف زندگی، از جمله حوزه مسائل گوناگون زوجین می‌باشد و نیز التزام فکری به این باورها، ضمن تقویت ایمان، بر احساس و رفتار زوج دیندار تأثیر مثبت داشته و آنها را در مسیر تکامل قرار می‌دهد، لازم به نظر می‌رسد.

برای سنجش باورهای منطقی و غیرمنطقی، آزمون‌های متعددی تدوین شده‌اند که می‌توان آنها را در دو دسته تقسیم‌بندی کرد: دسته اول. آزمون‌هایی که به بررسی باورهای منطقی و غیرمنطقی، بدون اختصاص به حوزه زوجین پرداخته است. دسته دوم، آزمون‌های باورهای منطقی و غیرمنطقی که خاص حوزه زوجین ساخته شده است. در مورد آزمون‌های دسته اول، می‌توان به چندین آزمون مهم اشاره کرد: از جمله آزمون باورهای غیرمنطقی جونز (IBT) (جونز، ۱۹۶۹)، که یک پرسش‌نامه خودسنجی است و براساس ده نوع تفکر غیرمنطقی، در نظریه ایس ساخته شده و شامل ۱۰۰ گویه و ۱۰ زیر مقیاس است که نمره‌گذاری آن در مقیاس چهار امتیازی لیکرت توسعه یافته است. نمره کلی IBT، در دامنه بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ قرار دارد. به‌گونه‌ای که نمره بالا، بیانگر باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد است (بریدجز و ساندرمن، ۲۰۰۲). جونز (۱۹۶۹)، روایی IBT را از طریق تحلیل عاملی و نیز همبستگی زیرمقیاس‌های آن، با برخی از مقیاس‌های بالینی، مانند پرسش‌نامه ۱۶ عاملی کتل نشان داده است. همبستگی بالای این مقیاس، با پرسش‌نامه افسردگی (نلسون، ۱۹۷۷)، و طرز تلقی ناکارآمد از ازدوج (ایدلسون و اپشتاین، ۱۹۸۲)، شواهد معتبری برای روایی همگرا فراهم آورده است. همچنین نیز نتایج مطالعات لهر و بوئگ (۱۹۸۲)، درباره روایی عاملی IBT ساختار عاملی باورهای غیرمنطقی را بر

پایه نسخه اصلی تأیید کردند (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶). نتایج بررسی ویکر و همکاران (۱۹۸۵) نیز نشان دادند که بین نمره IBT و مشکلات هیجانی، رابطه مثبت وجود دارد (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶). همچنین می‌توان به مقیاس ارزیابی باورهای شخصی (دماریا و همکاران، ۱۹۸۹) اشاره کرد که یک آزمون ۵۰ گویه‌ای است و باورهای شخصی افراد را در شش درجه لیکرت (از کاملاً موافق=۱ تا کاملاً مخالف=۶)، بر حسب پنج زیرمقیاس شامل فاجعه‌نمایی (AW)، بایدهای خویشتن‌محور (SDS)، بایدهای دیگرمحور (ODS)، تحمل پایین ناکامی (LFT) و خودارزش‌گذاری (SW) می‌سنجد. از مجموع نمره پنج زیرمقیاس آزمون، نمره کل فرد، در خصوص باورهای شخصی محاسبه می‌شود. حداقل و حداکثر نمره کل باورهای شخصی بین ۵۰ و ۳۰۰ خواهد بود. همچنین می‌توان به فهرست رفتار منطقی (RBI) (شورکی و وایتمن، ۱۹۷۷) اشاره نمود که یک آزمون ۳۷ گزینه‌ای است که با در نظر گرفتن افکار غیرمنطقی مورد اشاره ایس، ساخته شده است. نمره‌گذاری آن در مقیاس پنج امتیازی لیکرت توسعه یافته است. مؤلفان این مقیاس، نمراتی برای هر گزینه تعیین کرده‌اند که به اصطلاح نمرات «حد» نامیده می‌شود. اگر نمره‌ای که شرکت‌کننده به گزینه می‌دهد، با نمره حد برابر یا بیشتر باشد، ۱ امتیاز به آن می‌دهند و اگر کمتر باشد، امتیاز صفر می‌دهند. کسانی که در این مقیاس، نتایج بالایی به دست می‌آورند، نسبت به دنیا دید منطقی و عاقلانه دارند. کسانی که نمره پایینی کسب می‌کنند، از همان گام اول نسبت به دیگران عقاید متفاوت نشان می‌دهند (گنجی، ۱۳۸۱، ص ۳۶). ابزارهای دیگری ساخته شده است که مربوط به دسته اول می‌باشد. از جمله مقیاس باورهای ناکارآمد (DAS) (وایزمن، ۱۹۷۹)، فهرست باورهای غیرمنطقی (IBI) (کوپمنز و همکاران، ۱۹۹۴؛ ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶)، مقیاس باورهای منطقی (RBS) (دانن باوم-داوین و هوران، ۱۹۹۹)، آزمون باورهای غیرمنطقی ژاپنی (JIBT) (ماتسومورا، ۱۹۹۱)، مقیاس باورهای ارزیابی‌کننده (EBSY) (چادویک و همکاران، ۱۹۹۹)، و مقیاس باورهای زنان (کترراس و همکاران، ۲۰۱۰).

همان‌گونه که اشاره شد، در این میان برخی از آزمون‌ها به‌طور خاص، برای سنجش باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی تهیه شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: پرسش‌نامه باروهای ارتباطی (RBQ) (رومنس و دی‌بورد، ۱۹۵۵)، که یکی از مقیاس‌های نسبتاً پرکاربرد در اندازه‌گیری افکار و باورهای غیرمنطقی و ناکارآمد زناشویی است و به منظور پی‌بردن به روابط زوج‌ها، بررسی جایگاه میانجی‌گری‌های شناختی در واکنش‌های عاطفی و رفتاری هریک از زوجین، در روابط زناشویی و نیز درک ماهیت و معنای تعامل‌های آنها توسعه یافته است. مطالعات متعدد (رومنس و دی‌بورد، ۱۹۹۵؛

دی‌بورد و همکاران، ۱۹۶۶)، به منظور بررسی روایی RBQ، به‌ویژه از طریق تحلیل عاملی نشان دادند که مقیاس دارای ۹ عامل است: ۱. کاملاً صادق و پذیرا بودن یکدیگر در همه مواقع؛ ۲. خواندن افکار یکدیگر؛ ۳. انجام همه کارها با یکدیگر؛ ۴. ارضا کردن همه نیازها؛ ۵. توانایی و تمایل به تغییر دادن خود به خاطر دیگری؛ ۶. کامل و عالی بودن، همه چیز در روابط زناشویی؛ ۷. آسان بودن حفظ روابط خوب زناشویی؛ ۸. خوب و کامل بودن روابط عاشقانه؛ ۹. رمانتیک‌گرایی. این پرسش‌نامه، به‌عنوان مقیاس باورهای غیرمنطقی مختص روابط از نظریه عقلانی-عاطفی (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶) نیز حمایت می‌کند و از توان لازم برای مطالعه باورهای غیرمنطقی، در روابط زناشویی و اندازه‌گیری این باورها، به‌ویژه در مراکز مشاوره و درمانگری برخوردار است که نسخه استاندارد شده این ابزار در ایران، توسط/ازخوش و عسگری (۱۳۸۶) تهیه شده است.

فهرست باورهای ارتباطی (RBI) (ایدلسون و اپشتاین، ۱۹۸۲)، نمونه دیگری از آزمون‌های دسته دوم می‌باشد. این مقیاس ۶۰ گزینه‌ای، پنج عامل تخریب‌کنندگی مخالفت، توقع ذهن‌خوانی، عدم تغییرپذیری همسر، کمال‌گرایی در روابط جنسی و تفاوت شخصیت و نیازهای ارتباطی دو جنس را اندازه‌گیری می‌کند.

پاسخ‌نامه فهرست باورهای ارتباطی با طیف لیکرت، شامل «کاملاً غلط» تا «کاملاً درست» می‌باشد. در این پاسخ‌نامه، نمره بالا نشان‌دهنده داشتن باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی است. نسخه فارسی این ابزار، توسط مظاهری و پوراعتماد تهیه شده است (شهرستانی و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به اهمیت موضوع باورهای منطقی زوجین، فقدان یک آزمون بومی در این زمینه و ظرفیت منابع اسلامی در رابطه با تشخیص مؤلفه‌های باورهای منطقی زوجین، مسئله اساسی این پژوهش عبارت است از: ساخت پرسش‌نامه اولیه باورهای منطقی زوجین، براساس منابع اسلامی و بررسی روایی و اعتبار آن. از این رو، این سؤال‌ها در مورد این پرسش‌نامه بررسی شده است: در منابع اسلامی، چه ساختاری برای باورهای منطقی زوجین برداشت می‌شود؟ ویژگی‌های روایی و اعتبار این پرسش‌نامه، به چه صورت است؟

روش پژوهش

این پژوهش، با توجه به هدف تحقیق، از نوع تحقیقات بنیادی و نظری به حساب می‌آید (دلور، ۱۳۸۴، ص ۴۸) و از روش تحلیل محتوا، که برای بررسی، توصیف، دسته‌بندی، مقایسه، و تجزیه و تحلیل مفاهیم

محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون (شریعتمداری، ۱۳۸۸، ص ۷۷) از جمله متون دینی مرتبط با «باورهای منطقی زوجین» است، به کار گرفته شده است. از سوی دیگر، از آنجاکه هدف نهایی این پژوهش، ساخت آزمون است، مستلزم ارزیابی روایی و اعتبار آن به صورت میدانی است، بنابراین روش تحقیق در بخش دوم پژوهش، «زمینه‌یابی» «پیمایشی» خواهد بود (دلور، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳-۱۷۵).

علاوه بر این، برای بررسی روایی و اعتبار سازه باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی، از خبرگان علوم اسلامی و برای تحلیل نظرات آنها از شاخص‌های آمار توصیفی و روش همبستگی استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش را دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ و نیز طلاب مشغول به درس حوزوی شیفت صبح این مؤسسه، در سال تحصیلی ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهند. حجم این جامعه به‌طور تقریبی برابر ۲۱۵۲ نفر است. با توجه به اینکه این تحقیق، مراحل ابتدایی ساخت آزمون باورهای منطقی زوجین را پیگیری می‌کند و اساس روش تحلیل داده‌های این تحقیق، بر همبستگی است. چنانچه *لیندمن* و همکاران بیان کرده‌اند، برای پژوهش‌های همبستگی، ۱۰۰ نفر کفایت می‌کند (هومن، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹؛ هومو، ۱۳۸۵، ص ۶۸). این تعداد آزمودنی به شکل تصادفی طبقه‌ای، با میانگین سنی ۲۶/۱۴ و انحراف استاندارد ۴/۱۶۵ در تحقیق شرکت کردند.

ابزار پژوهش در این تحقیق، آزمون محقق‌ساخته‌ای است که در فرایند تحقیق اعتبار و روایی آن محاسبه می‌شود.

علاوه بر این، برای محاسبه روایی ملاک برای این آزمون، از نسخه استاندارد شده پرسش‌نامه باورهای ارتباطی زوجین رومنس و دی‌بورد (۱۹۹۵)، توسط/ازخوش و عسگری (۱۳۸۶) نیز استفاده شد. نسخه استاندارد شده این آزمون، توسط/ازخوش و عسگری (۱۳۸۶) با آزمون همتای باورهای غیرمنطقی *جوئز* اجرا شد. نتیجه این تحقیق، روایی همگرای آن را تأیید کرده است ($P < 0/01$ و $r = 0/32$). در آن تحقیق، مشخص شد که دو جنس از لحاظ باورهای ناکارآمد زناشویی تفاوت نداشتند و افراد با تحصیلات غیردانشگاهی، باورهای ناکارآمد بیشتری نسبت به افراد با تحصیلات دانشگاهی داشتند و بین سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان، با باورهای ارتباطی رابطه‌ای به دست نیامد (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶).

ازخوش و عسگری (۱۳۸۶)، برای استانداردسازی آزمون رومنس و دی‌بورد (۱۹۵۵)، آن را در گروه نمونه‌ای به حجم ۵۳۵ نفر متاهل (۲۹۱ زن، ۲۴۴ مرد) در شهر تهران اجرا کردند. پس از

حذف ۱۳ گویه، به دلیل قدرت تشخیص و بار عاملی ضعیف، اعتبار ۵۸ گویه باقی مانده، که با مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای تشکیل شده است و شامل هفت عامل (کامل بودن همه چیز در روابط زناشویی، وابستگی متقابل، انحصارطلبی در روابط، فداکردن خود برای دیگری، منطقی بودن و پذیرش متقابل، خواندن افکار یکدیگر، آگاهی از افکار و احساس‌ها و نیازهای گذشته همسر) می‌باشد، از طریق تحلیل عاملی اکتشافی به دست آمده است. پس از استانداردسازی در داخل کشور، مشخص شد که ۹ عامل موجود در اصل پرسش‌نامه به ۷ عامل تقلیل می‌یابد و اعتبار آن از طریق همسانی درونی (آلفای کرونباخ) و بازآزمایی با فاصله یک ماه، به ترتیب برابر با ۰/۹۵ و ۰/۹۳ به دست آمد (ازخوش و عسگری، ۱۳۸۶). در این مقیاس، نمره بیشتر به معنای باورهای کارآمدتر و منطقی‌تر در روابط زناشویی است (همان).

برای گردآوری اطلاعات، ابتدا به شیوه توصیفی - تحلیلی در منابع اسلامی، به تشکیل پرونده علمی اقدام شد. به دلیل اهمیت و نو بودن موضوع در بخش اسلامی و نیاز به تحلیل مبنایی این سازه، با بررسی آیات، روایات و تفاسیر موجود، منابع دینی در مورد باورهای منطقی زوجین مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گرفت و به صورت جامع ملاحظه و خانواده قرآنی - حدیثی تشکیل، سپس با استفاده از روش‌های تفسیری و اجتهادی، مورد بررسی و تحلیل و پردازش قرار گرفت. براساس مستندات منابع دینی و در پاسخ به پرسش اول پژوهش، مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های زیر برای باورهای منطقی زوجین تدوین شد.

جدول ۱. فهرست مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های باورهای منطقی زوجین براساس آیات و روایات

شماره	مؤلفه	خرده‌مؤلفه
۱	میشتی	بستگی
		وسعت‌بخشی
		رجحان‌بخشی (رجحان دادن همسر توسط شوهر)
		خودداری از تصرف عدوانی
		واگذارندگی (اینکه همسر تولید درآمد را به شوهر واگذارد)
		توان‌پذیری / موجودپذیری
۲	جنسی	آراستگی
		پاسخ‌دهی (پاسخ به نیازهای جنسی همسر)
		ثواب‌اندوزی
		عفت‌ورزی
		آداب‌آموزی

شماره	مؤلفه	خرده‌مؤلفه
۳	ارتباطی	خوش‌زبانی
		مهرورزی
		خوش‌رویی
		نرم‌خویی
		عیب‌پوشی
		همشینی
		سیاس‌گزاری
		امانت‌داری
		سرپرستی
		اطاعت‌پذیری
احترام‌گذاری		
		رازداری
۴	حل‌تعارض	مدارا
		بخشش‌گری
		صبوری
		عذرخواهی و عذرپذیری
		موعظه، هجر، زدن (به صورت سلسله‌مراتبی)
		صلح
		حکم‌گزینی
۵	حمایتی	حمایت‌گری از جانب همسر
		حمایت‌گری از جانب شوهر

در مجموع، ۵ مؤلفه و ۳۲ زیرمؤلفه به دست آمد. برای سنجش درستی تنظیم مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها و همخوانی با مستندات این قسمت، به همراه گویه‌ها برای ارزیابی به ده کارشناس علوم اسلامی و روان‌شناسی ارسال شد، تا نظر خود را در دو قسمت اعلام نمایند: الف. مطابقت مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها با مستندات؛ ب. مطابقت گویه‌ها با مستندات بیان‌شده در یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای.

یافته‌های پژوهش

هدف این پژوهش، ساخت آزمونی است که به صورت کمی بتواند باورهای منطقی زوجین را براساس معیارهای مستفاد از منابع اسلامی اندازه‌گیری نماید. برای بررسی روایی آزمون، از سه روش روایی محتوای، روایی وابسته به ملاک و روایی سازه استفاده شده است. برای بررسی اعتبار آزمون، از روش همسانی درونی و روش دونیمه‌سازی بهره گرفته شد.

ارزیابی کارشناسان برای سنجش روایی صوری- محتوایی این پرسش نامه، در قسمت اول طبق ساختار لیکرت با میانگین کل ۳/۸۲ (۰/۹۴/۸)، و با انحراف استاندارد ۰/۰۵۷ نشان داد که از نظر کارشناسان، مؤلفه‌های نظری باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی، در حد «خیلی زیاد» با مستندات دینی مطابقت دارد. ضریب تطابق کندال ۰/۳۰۳، با مقدار مجذور کای ۹۳/۹۳۹، با معناداری $P < ۰/۰۱$ بیانگر توافق مناسب نظرات کارشناسان، در مورد موافقت مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌ها با مستندات اسلامی است.

میانگین نمرات کارشناسان برای قسمت دوم، یعنی مطابقت گویه‌ها با مستندات برابر با ۳/۷۸ (۰/۹۴/۵) محاسبه شد، با انحراف استاندارد ۰/۷۹. بنابراین، این گویه‌ها از نظر کارشناسان در حد «خیلی زیاد» با مستندات مطابقت دارند. ضریب کندال، برای این گویه‌ها ۰/۱۳۴ و مقدار خی دو ۷۶/۲۴ و معناداری $P < ۰/۰۵$ بیانگر روایی محتوای گویه‌های آزمون است.

برای بررسی روایی وابسته به ملاک، از آزمون باورهای ارتباطی (RBQ) رومنس و دی‌بورد (۱۹۵۵) استفاده شد. با اجرای همزمان این آزمون، با آزمون محقق ساخته، به بررسی میزان همبستگی بین دو آزمون اقدام شد. نتایج نشان از همبستگی معنادار این دو آزمون دارد ($r = ۰/۲۶$ و $P < ۰/۰۱$).

برای برآورد روایی سازه، از روش محاسبه همبستگی بین آزمون و مؤلفه‌ها استفاده شد. به لحاظ نظری، آزمون باید با مؤلفه‌ها همبستگی بالایی داشته باشد و مؤلفه‌ها با هم همبستگی اندکی داشته باشند (ابراهیمی و بهرامی احسان، ۱۳۹۱). همان گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، این شرط در حد قابل قبولی تأمین شده است.

جدول ۲. محاسبه ضریب همبستگی بین آزمون و مؤلفه‌ها

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
کل آزمون	۱					
مؤلفه معیشتی	۰/۱۶۶ **	۱				
مؤلفه جنسی	۰/۶۳۴ **	۰/۴۰۷ **	۱			
مؤلفه ارتباطی	۰/۸۹۳ **	۰/۳۲۹ **	۰/۴۸۲ **	۱		
مؤلفه حل تعارض	۰/۸۸۷ **	۰/۳۸ **	۰/۴۸ **	۰/۶۶۲ **	۱	
مؤلفه حمایتی	۰/۷۵۸ **	۰/۳۹۴ **	۰/۵۸۴ **	۰/۵۵۱ **	۰/۶۴۸ **	۱

**p < ۰/۰۱

نتایج جدول فوق بیانگر رابطه قابل قبول مؤلفه‌ها با کل آزمون است. همبستگی مؤلفه‌ها با یکدیگر، نسبتاً کم است که بیانگر استقلال مؤلفه‌ها از یکدیگر و اعتبار آزمون است. برای سنجش اعتبار آزمون، از روش همسانی درونی استفاده شد. برای برآورد همسانی درونی در این پژوهش، از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. جدول ۳، نتایج ضرایب آلفای کرونباخ آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب آلفای کرونباخ برای آزمون باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی

آزمون و مؤلفه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
کل آزمون (۵۸ گویه)	۰/۹۲۵
مؤلفه معیشتی (۶ گویه)	۰/۴۱
مؤلفه جنسی (۹ گویه)	۰/۶۲
مؤلفه ارتباطی (۲۴ گویه)	۰/۸۶
مؤلفه حل تعارض (۱۴ گویه)	۰/۸۳
مؤلفه حمایتی (۵ گویه)	۰/۸۱

همان گونه که در جدول فوق ارائه شد، آلفای کرونباخ آزمون، ۰/۹۲۵ به دست آمد که با پیشنهاد حذف ۵ گویه (که عبارتند از ۳، ۴، ۸، ۲۴، ۲۸)، مقدار آلفای کرونباخ تا میزان ۰/۹۳۱ بالا می‌رود. روش دیگر برای محاسبه اعتبار این آزمون، استفاده از روش دونیمه‌سازی اسپیرمن-پراون و گاتمن بود که در جدول زیر مقادیر به دست آمده نشان داده شده است.

جدول ۴. نمرات دونیمه‌سازی آزمون باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی

آلفای کرونباخ	نیمه اول	
	مقدار	۰/۵۶۶
	تعداد گویه‌ها	
	۲۷	
	نیمه دوم	
	مقدار	۰/۸۹۴
	تعداد گویه‌ها	
	۲۶	
	مجموع تعداد گویه‌ها	
	۵۳	
	همبستگی بین دو فرم	
	۰/۷۷۳	
ضریب اسپیرمن- پراون	تساوی تعداد گویه‌ها	
	۰/۸۷۲	
	عدم تساوی تعداد گویه‌ها	
	۰/۸۷۲	
	ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن	
	۰/۸۶۸	

همچنین در این تحقیق، آلفای کرونباخ برای پرسش نامه باورهای ارتباطی رومنس و دی‌بورد ۰/۹۱ به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، ساخت و اعتباریابی پرسش نامه «باورهای منطقی زوجین بر اساس منابع اسلامی» بود. نتایج سنجش روایی محتوا، ملاکی و سازه نشان داد که این آزمون، روایی لازم را برای سنجش باورهای منطقی زوجین، مطابق با آنچه از اسلام برداشت شده، را داراست. اعتبار آزمون نیز با روش همسانی درونی یا ضریب آلفای کرونباخ و روش دونیمه‌سازی مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج فوق نشان داد که پرسش نامه از اعتبار بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر، ثبات، پایایی و قابلیت

پیش‌بینی و دقت آزمون مورد تأیید است. یعنی این آزمون برای استنباط نمره باورهای منطقی زوجین در مورد پاسخ‌دهندگان ابزاری مفید، بامعنا و مناسب به حساب می‌آید.

باور منطقی هم در روان‌شناسی و هم در تحقیق حاضر، به عنوان یک ویژگی مثبت و مورد قبول در حوزه «شناخت» مطرح است. شباهت موجود بین پرسش‌نامه اسلامی، با پرسش‌نامه باورهای ارتباطی رومنس و دی‌بوردر (۱۹۹۵) از آن جهت است که در هر دو، به باورهای منطقی از منظر «روابط زوجین» پرداخته شده است. همچنین برخی از بخش‌های روابط زوجین، که در هر دو پرسش‌نامه (از حیث باور منطقی مربوط به آن) مورد ارزیابی قرار گرفته است، مشترک است که عبارتند از: محبت‌ورزی همسران، رازداری، رابطه جنسی، سازگاری، ترجیح خواسته همسر، همنشینی با همسر، خوش‌رویی. البته لازم به یادآوری است که این موارد اشتراکی و نیز موارد اختلافی که در قالب مؤلفه‌های معیشتی، جنسی، ارتباطی و حل تعارض در پرسش‌نامه اسلامی به دست آمده است، در پرسش‌نامه باورهای رومنس به شکلی پراکنده مطرح شده است.

در بررسی تفاوت این دو پرسش‌نامه، به یک تفاوت مبنایی و یک تفاوت در ساختار می‌توان اشاره کرد. مهم‌ترین تفاوت بین دو پرسش‌نامه، همان تفاوت مبنایی است که ناشی از تفاوت مبنایی بین روان‌شناسی معاصر و منابع مورد استناد در پرسش‌نامه اسلامی می‌باشد. آن اینکه اصولاً، باورهای منطقی در دین اسلام، در رابطه انسان با خداوند و آخرت معنا می‌یابد؛ چراکه همه مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن، مرتبط با بحث‌های توحیدی و معاد و مباحث انسان‌شناختی و هستی‌شناختی دینی است. درحالی‌که در مورد باورهای منطقی در روان‌شناسی، ارتباطی با خالق و معاد در نظر گرفته نمی‌شود؛ زیرا روان‌شناسان باوری را منطقی می‌دانند که مطلق‌گرا و غیرواقعی نباشد (مؤمن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴) و در آن بر الزام، اجبار و جزم‌اندیشی تأکید نشده باشد (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۷۳، ص ۱۲۶). این نوع نگاه به باور منطقی، در بین روان‌شناسان شناختی، احتمالاً از آن جهت است که تحت تأثیر فلاسفه‌ای همچون اسپینوزا (فیروزبخت، ۱۳۸۳، ص ۴۴) قرار دارند که معتقد است: ملاک‌های عمومی خیر و شر، ذهنی است و واژه‌های خیر و شر، نه از یک جهت، بلکه از بسیاری جهات نسبی است (هریس، ۱۳۸۹، ص ۳۰). در همین زمینه، می‌توان به کلام الیس اشاره کرد که معتقد است: «دین‌داری، نوعی باور مطلق است که مبنای حقیقی ندارد» (فیروزبخت، ۱۳۸۳، ص ۴۵). در حالی‌که از نگاه اسلام، هدف رفتارها، تقرب به خدا و هدف نهایی از زندگی دنیا، رسیدن به سعادت اخروی

است و این اهداف عالی بر زندگی تأثیر بسزایی دارند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۶، ص ۴۸۸). همچنین بررسی متون دینی نشان می‌دهد که دین مشتمل بر وجوب و الزام‌هایی است که البته ریشه در وحی دارند و از منشأ حقیقی برخوردارند.

تفاوت بعدی بین این دو پرسش‌نامه، تفاوت در ساختار می‌باشد. البته تفاوت در ساختار نیز به تفاوت این دو پرسش‌نامه از حیث مبنا برمی‌گردد. در ساخت پرسش‌نامه باورهای منطقی زوجین، برای رسیدن به مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های این پرسش‌نامه، مجموعه آیات و روایات مرتبط با حوزه زوجین بررسی و طبقه‌بندی شده و آن‌گاه پنج مؤلفه که مشتمل بر سی و دو زیرمؤلفه می‌باشد، به دست آمد. بنابراین، ساختار موجود در این پرسش‌نامه، براساس آموزه‌های وحیانی موجود در این زمینه بوده است. اما ساختار پرسش‌نامه باورهای ارتباطی رومنس و دی‌بوردر، که مشتمل بر هفت مؤلفه می‌باشد، براساس مبنای روان‌شناسی معاصر ساخته شده است و مبتنی بر برداشت‌های تجربی و یافته‌های عینی و مبتنی بر مبنای فلسفی و معرفتی خاص خود است. مؤلفه‌های اصلی در پرسش‌نامه اسلامی عبارتند از: معیشتی، جنسی، ارتباطی، حل تعارض و حمایتی.

مؤلفه معیشتی، منعکس‌کننده میزان باورهای منطقی زوجین در زمینه درآمد و مصرف است. در این مؤلفه، به بررسی باورهای زوجین مربوط به نقش قناعت‌ورزی در رسیدن به آرامش در زندگی زوجین، وظیفه شوهر در صورت پیشرفت مالی، فرد ارجح در تعیین نوع مصرف اقتصادی در زندگی زوجین، نحوه استفاده مالی مرد از اموال زن، مسئول تأمین مالی زندگی و میزان مطالبه مالی همسر از شوهر پرداخته می‌شود. باور منطقی در این موارد، باوری است که با مستندات دینی مطابقت داشته باشد.

مؤلفه جنسی، باورهای زوجین را در زمینه مسائل جنسی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مؤلفه، به بررسی باورهای زوجین درباره حدود آراستگی مرد و زن، رابطه آراستگی با عفت‌ورزی در زوجین، نحوه پاسخ‌دهی زوجین به نیازهای جنسی همدیگر، رابطه فعالیت‌های جنسی با ثواب‌اندوزی برای آخرت، و لذت جنسی مجاز و غیرمجاز پرداخته می‌شود. باور منطقی در این موارد، باوری است که با مستندات دینی مطابقت داشته باشد.

مؤلفه ارتباطی، منعکس‌کننده باورهایی است که در زمینه ارتباطی بین زوجین مطرح است. این مؤلفه، بیشترین گویه‌ها را به خود اختصاص داده است. در این مؤلفه، به بررسی باورهای زوجین درباره رابطه رضایت زناشویی با خوش‌زبانی، نقش بد زبان در کاهش صمیمیت، رابطه بین افزایش ایمان و افزایش محبت به همسر، مهربانی و اظهار محبت کلامی زوجین نسبت به یکدیگر، حق خوش‌رویی

زوجین با یکدیگر، رابطه خوش‌رویی با کینه‌زدایی، نقش نرم‌خویی در زندگی، عیب‌جویی و عیب‌پوشی زوجین، سپاسگذاری زوجین و حد و حدود آن، امانت‌نگه‌داری زوجین در قبال همدیگر و احترام متقابل و رازداری بین زوجین پرداخته می‌شود. باور منطقی در این موارد، باوری است که با مستندات دینی مطابقت داشته باشد.

در مؤلفه حل تعارض، باورهای مرتبط با زمینه‌های حل تعارض بین زوجین بررسی می‌شود. در این مؤلفه، به باورهایی در زمینه عدم مدارای همسران با همدیگر، گذشت یا عدم گذشت و یا کم‌گذشتی زوجین در قبال همدیگر، صبر کردن در برابر بداخلاقی یکدیگر، عذرخواهی زوجین از اشتباهاتشان، راهکارهای مرحله‌ای در مقابله با نافرمانی همسر، صلح و حکم‌گزینی در هنگام بروز اختلافات پرداخته شده است. باور منطقی در این موارد، باوری است که با مستندات دینی مطابقت داشته باشد.

مؤلفه حمایتی، باورهای مرتبط با زمینه‌های حمایتگری زوجین از یکدیگر را بررسی می‌کند. در این مؤلفه، که کمترین گویه‌ها را دربردارد، به باورهایی در زمینه حمایت‌گری دنیوی و آخرتی هریک از زوجین نسبت به یکدیگر پرداخته می‌شود. باور منطقی در این موارد، باوری است که با مستندات دینی مطابقت داشته باشد.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت: برای کشف مؤلفه‌های یک سازه روان‌شناختی از آموزه‌های وحیانی می‌توان استفاده کرد و عقل تجربه‌ای روان‌شناختی به تنهایی کافی نیست.

از محدودیت‌های این پژوهش، عدم امکان بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون در نمونه گسترده‌تر با جامعه آماری متفاوت، جهت غنای ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون و سنجش عامل‌های آن، در فرایند تحلیل عاملی تأییدی بود.

پیشنهاد می‌شود با افزون بر اجرای پرسش‌نامه، در حجم بزرگتری از آزمودنی‌ها، به‌گونه‌ای که بررسی تحلیل عاملی باورهای منطقی زوجین براساس منابع اسلامی، بر مبنای روش‌های آماری میسر گردد، به پژوهش‌های مداخله‌ای پیرامون باورهای منطقی زوجین با توجه به مؤلفه‌هایی که اسلام برای آن معرفی کرده و مقایسه تأثیرات پیش و پس از مداخله با یکدیگر اقدام صورت گیرد، و همچنین در پژوهش‌های بعدی، راه‌ها و تکنیک‌های علمی و عملی برای افزایش میزان باورهای منطقی زوجین در افراد و جامعه بررسی و استخراج گردد.

منابع

- آیینچی، عباس، ۱۳۹۰، *رابطه سبک‌های والدینی و باورهای غیرمنطقی والدین و تأثیر آن بر پایداری مذهبی فرزندان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ابراهیمی، ابوالفضل و هادی بهرامی احسان، ۱۳۹۱، «تئیه و اعتباریابی مقیاس سنجش آخرت‌نگری؛ یک مطالعه مقدماتی»، *روان‌شناسی و دین*، سال پنجم، ش ۴، ص ۵۳-۷۰.
- ازخوش، منوچهر و علی عسگری، ۱۳۸۶، «اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در روابط زناشویی: استانداردسازی پرسش‌نامه باورهای ارتباطی» *روان‌شناسان ایرانی*، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۱۳۷-۱۵۳.
- بشارت، محمدعلی و همکاران، ۱۳۹۱، «نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی»، *مشاوره کاربردی*، ش ۲، ص ۲۹-۴۴.
- بیرامی منصور و همکاران، ۱۳۹۳، *آزمون‌های روان‌شناختی دینداری*، تهران، آوای نور.
- پورشهریاری، مه‌سیما و مهرانگیز شعاع‌کاطمی، ۱۳۸۳، «بررسی نگرش مذهبی دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران»، *معرفت*، ش ۸۱، ص ۷۱-۸۰.
- دلاور، علی، ۱۳۸۴، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران، رشد.
- رشیدی، فرنگیس و همکاران، ۱۳۸۹، «نقش باورهای غیرمنطقی بر سلامت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران»، *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۴۹-۶۵.
- سپهریان آذر، فیروزه و حسن قلاوندی، ۱۳۹۰، «تأثیر آموزش تیپ‌های شخصیت انیگرم بر کاهش تعارضات زناشویی»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال اول، ش ۲، ص ۱۶۱-۱۷۰.
- سهرابی، نادره و سیامک سامانی، ۱۳۸۰، *بررسی میزان تأثیر نگرش مذهبی بر بهداشت روانی نوجوانان*، دن: چکیده مقالات نقش دین و بهداشت روانی؛ اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، تهران، دانشگاه علوم پزشکی.
- سیاوشی، حسین و شکوه نوایی‌نژاد، ۱۳۸۴، «رابطه بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی دبیران دبیرستان‌های ملایر»، *پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۴ (۱۵)، ص ۹-۳۴.
- شریعتمداری، مهدی، ۱۳۸۸، *تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری*، تهران، کوهسار.
- شفیع‌آبادی، عبدالله و غلامرضا ناصری، ۱۳۷۳، *نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- شمسی، علی، ۱۳۸۲، *رابطه بین رضایت شغلی، سلامت روان و باور منطقی معلمان کلاس سوم راهنمایی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان آنان در شهر خمین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم تربیتی، تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تربیت معلم.
- شهرستانی، ملیحه و همکاران، ۱۳۹۱، «پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد»، *زن و فرهنگ*، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۱۹-۴۱.
- صافی، احمد، ۱۳۸۸، *مدیریت و اقتصاد در خانواده*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- فیروزبخت، مهرداد، ۱۳۸۳، *آلبرت الیس: پنجاه سال رفتاردرمانی عقلانی هیجانی*، تهران، دانژه.
- قاسمی، جواد، ۱۳۷۵، *بررسی میزان کارایی مشاوران و دبیران راهنما در حل مشکلات دانش‌آموزان نظام جدید آموزش و پرورش متوسطه بندر ماهشهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی.
- کجباف، محمداقار و همکاران، ۱۳۸۷، «مقایسه نگرش مذهبی و شدت ایمان مذهبی در دانش‌آموزان و دانشجویان دختر شهر اصفهان»، *مطالعات اسلامی و روان‌شناسی*، ش ۲، ص ۹۷-۱۱۲.
- گلدنبرگ، ایرنه و هربرت گلدنبرگ، ۱۳۸۶، *خانواده درمانی*، ترجمه حسین شاه‌پرواتی و همکاران، تهران، روان.
- گنجی، حمزه، ۱۳۸۱، *ارزشیابی شخصیت*، تهران، ساوالان.

- Free, M.L., ۱۹۹۹, *Cognitive Therapy in Groups: Guidelines and resources for practice*, Chichester, England: John Wiley & Sons Ltd.
- Goldenberg, I, & Goldenberg, H, ۲۰۰۰, *Family Therapy, An overview*, California: Brooks/ Cole Publishing.
- Gottman, J. M, ۲۰۰۲, Marital research the ۲۱th century, *Journal of Family Process*, v. ۴۱ (۲), p. ۹۷-۱۵۹.
- Gunt, R, ۲۰۰۶, Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier, *Journal of Personality*, v. ۷۴, p. ۵-۱۰.
- Hamamci, Z, ۲۰۰۵, Dysfunctional relationship beliefs in marital conflict, *Journal of Rational Emotive & Cognitive Behavior Therapy*, v. ۲۳, p. ۲۴۵-۲۶۰.
- Jones, R.G, ۱۹۹۹, A factored measure of Ellis's irrational beliefs system, with personality and maladjustment correlates, *Dissertation Abstracts International*, v. ۲۹, p. ۴۳۷۹-۴۳۸۰.
- Jones, A.C, & Chao, C.M, ۱۹۹۷, *Racial, ethnic and cultural issues in couples therapy*, I W, K, Halford and H, J, Markamn (Ed) Clinical handbook of marriage and couples intervention, chichester, U, K, Wiley, p. ۱۵۷-۱۷۸.
- Koopmans, P.C, & et al, ۱۹۹۴, The Irrational Beliefs Inventory (IBI): development and psychometric evaluation. European, *Journal of Psychological Assessment*, v. ۱۰, p. ۱۵-۲۷.
- Markman, H. J, & Hahlweg, K, ۱۹۹۳, The prediction and prevention of marital distress: An international perspective, *Clinical Psychology Review*, v. ۱۳, p. ۲۹-۴۳.
- Matsumora, C, ۱۹۹۱, The development of the Japanese irrational belief test, *Japanese Journal of Psychology*, v. ۶۲, p. ۱۰۶-۱۱۳.
- Metts, S, & Cupach, W.R, ۱۹۹۰, The influence of relation beliefs and problem solving responses on satisfaction in romantic relationships, *Human Communication Research*, v. ۱۷, p. ۱۷۰-۱۸۵.
- Moller, A. T, & et al, ۲۰۰۱, Dysfunctional beliefs and marital conflict in distressed and non-distressed married individuals, *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, v. ۱۹, p. ۲۵۹- ۲۷۰.
- Moller, A.T, & Van der Merwe, J.D, ۱۹۹۷, Irrational beliefs, interpersonal perception and marital adjustment, *Journal of Rational Emotive and Cognitive Behavioral Therapy*, v. ۱۵, p. ۲۶۰-۲۹۰.
- Neenan, M, ۲۰۰۶, *Cognitive therapy in a nutshell*, London: Whurr.
- Nelson, R.E, ۱۹۷۷, Irrational beliefs in depression, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v. ۴۵, p. ۱۱۹۰-۱۱۹۹.
- Piorkowski, J.K, ۲۰۰۸, *Adult children of divorce, confused love seekers*, London: Greenwood Publishing Groupe.
- Romans, J.C, & DeBord, J, ۱۹۹۵, Development of the Relationship Beliefs Questionnaire, *Psychological Report*, v. ۷۶, p. ۱۲۴۸-۱۲۵۰.
- Rosen-Grandon, J.R, & et al, ۲۰۰۴, The relationship between marital characteristics marital interaction processes, and marital satisfaction, *Journal of Counseling and Development*, v. ۸۲ (۱), p. ۵۸-۶۸.
- Shorkey, C.T, & Whiteman, V.L, ۱۹۷۷, Development of the Rational Behavior Inventory: Initial validity and reliability, *Educational and Psychological Measurement*, v. ۳۷, p. ۵۲۷-۵۳۴.
- Sadock, B.j.MD, & et al, ۲۰۰۳, *Synopsis of psychiatry behavioral sciences and clinical psychiatry*, ۹th edition, John Wiley and sons, New York.
- Stackert, R. A, & Bursik, K, ۲۰۰۳, Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction, *Journal of Personality and Individual Differences*, v. ۳۴, p. ۱۴۱۹-۱۴۲۹.
- Traverse, J, & Drayden, W, ۱۹۹۵, *Rational emotive behavior therapy: a client's guide*, London: Whurr.
- Weissman, A.N, ۱۹۷۹, The Dysfunctional Attitude Scale: A validation study, *Dissertation Abstract International*, v. ۴۰, p. ۱۳۸۹-۱۳۹۰.
- Wicker, F.W, & et al, ۱۹۸۵, Differential correlates of irrational beliefs, *Journal of Personality Assessment*, v. ۴۹, p. ۱۶۱-۱۶۷.

- مؤمن‌زاده، فرید و همکاران، ۱۳۸۴، «ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی»، *خانواده‌پژوهی*، سال اول، ش ۴، ص ۳۶۹-۳۷۴.
- محمدری شهری، محمد و عباس پسندیده، ۱۳۸۹، *تحکیم خانواده*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
- مصباح، محمد تقی، ۱۳۶۵، *آموزش عقاید*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مظهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
- نجارپور استادی، سعید و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و باورهای غیرمنطقی با رضایت شغلی در بین کارکنان شرکت سهامی خاص مخابرات استان آذربایجان شرقی»، *فراسوی مدیریت*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۳۹-۵۸.
- نوابی‌نژاد، شکوه و انیسه ملک، ۱۳۸۹، «اثربخشی آموزش مقابله با تفکر قطعی‌نگر بر بهبود روابط زناشویی زنان»، *اندیشه و رفتار*، دوره چهارم، ش ۱۶، ص ۱۶-۷.
- هراتیان، عباس‌علی، ۱۳۹۲، *رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی با توجه به پابندسی مذهبی زوجین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هریس، ارول ای، ۱۹۹۲، *طرح اجمالی فلسفه اسپینوزا*، ترجمه مصطفی شهرآیینی، تهران، نی.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۵، *تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری*، چ دوم، تهران، پیک فرهنگ.
- _____، ۱۳۸۶، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، تهران، سمت.
- Addis, J, & Bernard, M, ۲۰۰۲, Marital adjustment and irrational beliefs, *Journal of Rational – Emotive and Cognitive Behavior Therapy*, v. ۲۰, p. ۳-۱۳.
- Amato, P. R, ۲۰۰۰, The consequences of divorce for adult and children, *Journal of Marriage & Family*, v. ۶۲ (۴), p. ۱۹-۲۶.
- Bridges, R.K, & Sanderman, R, ۲۰۰۲, The Irrational Beliefs Inventory: cross cultural comparisons between American and Dutch samples, *Journal of Rational-Emotive & Cognitive Therapy*, v. ۲۰, p. ۳۳۷-۳۴۳.
- Chadwick, P, & et al, ۱۹۹۹, Measuring negative person evaluations: The Evaluative Beliefs Scale, *Cognitive Therapy and Research*, v. ۲۳, p. ۵۴۹-۵۵۹.
- Contreras, H.A, & et al, ۲۰۱۰, Preliminary factor analysis of the O'Kelly women beliefs Scale in a US sample, *Universitas Psychologica*, v. ۲, p. ۶۱۱-۶۱۷.
- Dannenbaum-Daubne S.M, & Horan, J. J, ۱۹۹۹, *The effects of internet-based cognitive restructuring on adolescent self-esteem*, Paper presented at the Annual Meeting of the American Psychological Association, Boston, August ۲۳, Internet Cognitive Restructuring.
- Dottilio, F.M, ۲۰۱۰, *Cognitive-Behavioral therapy with couples and families: a comprehensive guide for clinicians*, New York: Guilford Press.
- DeBord, J, & et al, ۱۹۹۶, Predicting dyadic adjustment from general and relationship-specific beliefs, *Journal of Psychology*, v. ۱۳۰, p. ۲۶۳-۲۸۰.
- Demaria, T, & et al, ۱۹۸۹, Psychometric properties of the Survey of Rational Beliefs: a rational-emotive measure of irrational thinking, *Journal of Personality Assessment*, v. ۵۳, p. ۳۲۹-۳۴۱.
- Eidelson, R, J, & Epstien, N, ۱۹۸۲, Cognitive and relationship of adjustment, Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v. ۵۰, p. ۷۱۵-۷۲۰.
- Ellis, A, & Grieger, R.M, ۱۹۷۷, *Handbook of rational- emotive therapy*, New York: Springer Publishing Co.
- Fowers, B.J, & et al, ۱۹۹۶, Positive illusions about marriage: Self enhancement or relationship enhancement? *Journal of Family Psychology*, v. ۱۰, p. ۱۹۲-۲۰۸.
- Fincham, F.D, & et al, ۲۰۰۰, The longitudinal association between attributions and marital satisfaction, *Journal of Family Psychology*, v. ۱۴ (۲), p. ۳۶۷-۳۸۵.